کد خبر: ۴۶۸۰۴۶
شنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۱ ۲۰:۲۷

با ما به سال صفر سفر کنید

در این گزارش جالب رازهایی درباره سال صفر به شما خواهیم گفت.

به گزارش سایت خبری پرسون، برای جست‌وجو و پیدا کردن یکی از مهم‌ترین اختراعات بشر، باید سفری کرد به سال صفر! به جایی که هنوز تمدن بشری شکل نگرفته بود.

ماجرا از صفحات کُهن تاریخ آغاز شد. از زمانی که هسته‌های اولیه تمدن بشری در بین‌النهرین شکل گرفت و با کشفیات و اختراعات اولیه مردم خود، موجب تکامل کتاب قطور تاریخ شد.

«بین‌النهرین» که به معنای «میان دو رود» می‌باشد، جغرافیایی است حاصلخیز که «دَجله» و «فُرات» به آن جان بخشیده است. دو رودی که از ارتفاعات آناتولی در شرق ترکیه امروزی سَرچشمه می‌گیرند و پس از عبور از شهرهایی که قدمت هر یک از آن‌ها به عَهد باستان باز می‌گردد، به «کارون» و «اَروند» می‌پیوندند و در نهایت به خلیج همیشه فارس سَرازیر می‌شوند.

تاریخ «دَجله» و «فُرات»، قدیمی‌تر از تاریخ بشر است. این دو رود در واقع شاهدان اولیه شکل‌گیری تمدن بشری در این نقطه از کُره‌خاکی هستند. آن‌ها حتی از «نیل» بزرگ نیز با اهمیت‌ترند چرا که «مردم» در هر دوره از تاریخ، بیشتر در این منطقه سکونت داشته‌اند و دِرفش تمدن و دولت‌های خود را در این نقطه از جهان بَرافراشتند.

«سومریان» به عنوان بزرگترین و قدیمی‌ترین نیاکان تمدن‌هایی که در بین‌النهرین شکل گرفتند، در واقع نخستین کسانی بودند که با کشف «خط»، شروع به ثبت تاریخ نمودند.

آن‌ها در ابتدا با هدف محاسبه درآمد حاصله از کشاورزی، ثبت محصولات و حفظ حقوق کارگران و کشف خط؛ پا در مسیر پیدایش اموری گذاشتند که ما شاید امروز تمام تکنولوژی‌های پیرامون خود را مدیون آن هستیم.

خط میخی بر روی لوح‌های گِلی که بعدها توسط بابلی‌ها و آشوری‌ها توسعه یافت؛ تنها خدمت سومریان به تمدن بشری نبود. آن‌ها اختراع «چرخ» را نیز به واسطه کشف خط، برای همیشه به نام خود ثبت کردند. در حال حاضر، برخی موزه‌های مهم جهان میزبان تصاویری از سورتمه و یا ارابه‌های چرخ‌دار است که باستان‌شناسان آن‌ها را در خرابه‌های سومری پیدا کردند.

این قوم پیشاتاریخی که آغاز قدمت زیست آن‌ها براساس اسناد به دست آمده توسط باستان شناسان از منطقه «میان رودان» در جنوب عراق کنونی به حدود ۴۰۰۰ تا ۵۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح و به دوره «مس سنگی» و اوایل دوره «مفرغ» باز می‌گردد، از طبقه آخر معابد هرمی شکل و چند طبقه خود که به آن «زیگورات» می‌گفتند، به عنوان «رصدخانه» استفاده می‌کردند. در واقع سومری‌ها در چند هزار سال پیش، علاوه بر مشاهده حرکات خورشید و ماه گرفتگی‌ها، سیارات مشتری، زُهره، مریخ و عَطارُد را نیز رصد کرده و حرکات آن‌ها را بازهم به واسطه اختراع خود یعنی «خط» ثبت و ضبط می‌کردند.

این مردمان همه چیزدان عهد باستان! همچنین به دلیل تسلط بر چهار عمل اصلی و ریاضیات، سیستم دستگاه اعداد پایه ۶۰ را نیز کشف کردند و با اختراع این سیستم عددی، مفهوم زمان را شکل داده و از دل آن «گاه شمار» یا «تقویم» را پدید آوردند.

تمدن سومری، نخستین تمدنی بود که ساعت را به ۶۰ دقیقه و هر دقیقه را به ۶۰ ثانیه تقسیم کرد. در واقع آن‌ها با فاکتور گرفتن از شصت دست، هر یک از بندهای چهار انگشت دیگر را به یک روز و یک ماه اختصاص دادند و با مَضربی از پنج، قاعده هر ساعت ۶۰ دقیقه و هر دقیقه ۶۰ ثانیه را تعریف کردند، ضمن آنکه با همان ۱۲ بند انگشت، تعداد ساعت‌های یک نیم روز کامل و همچنین تعداد ماه‌های یکسال را نیز به وجود آوردند و با این اقدام علاوه بر شکل دادن به مفهوم زمان و تلاش برای مدیریت آن، براساس سال قمری؛ اولین «گاه‌شمار» را نیز شکل دادند. گاه‌شماری که از عهد باستان تاکنون انواع دیگری از آن در جهان پدید آمد و اقوام و فرهنگ‌های مختلف، براساس آداب و رسومات و همچنین نوع زندگی خود، گاه‌شمارهای مورد نظر خود را بر پایه همان چهارچوبی که سومریان تعریف کرده بودند، بنا نهادند.

البته برخی باستان شناسان در سال ۲۰۰۴ میلادی در یکی از شهرهای اسکاتلند، گاه‌شماری را کشف کردند که محققان با انجام مطالعات بر روی آن و در مقاله‌ای که در سال ۲۰۱۳ میلادی منتشر شد، قدمت آن را چیزی در حدود ده هزار سال تخمین زده‌اند! اما آنچه که در اینجا مهم است آغاز تاریخ پیدایش تمدن بشری به طور رسمی و ثبت آن با پیدایش گاه‌شماری است که توسط همین مورخین به نام سومریان باستان ثبت شده است.

این گاه‌شمار کشف شده‌ی مورد اشاره در "وارن فیلد" اسکاتلند یافت شده است. این گاه‌شمار دوازده حفره دارد که دوازده حالت مختلف ماه بر روی آن‌ها نقش بسته‌شده است. به عبارتی هر یک از این حفره‌ها بیانگر شکل و موقعیت ماه در روزهای مختلف است.

تصویر سنگ تقویم آزتک. توضیحات کامل این تصویر در پایان گزارش آمده است.

حال با توجه به این مقدمه و برای آشنایی با انواع گاه‌شمارها و تقویم‌هایی که تاکنون در جهان تعریف شده‌اند، مهم‌ترین آن‌ها را بررسی خواهیم کرد و در نهایت نیز به سراغ تاریخچه گاه‌شماری در ایران و پیدایش «تقویم» ایرانی خواهیم رفت.

گاه‌شمار میلادی

گاه‌شمار میلادی یا تقویم میلادی، یک گاه‌شمار با ریشه مسیحی است که هم‌اکنون در ۹۵ درصد از کشورهای جهان استفاده می‌شود و یک تقویم بین‌المللی است.

این گاه‌شمار در ابتدا گاه‌شمار «میلادی قدیم» یا «گاه‌شمار «ژولینی» که خود از گاه‌شمار رومی الهام گرفته شده بود، نام داشت. در گاه‌شمار رومی یکسال به ۱۰ ماه تقسیم شده بود و «رومولوس» موسس شهر رُم در ۷۳۵ سال پیش از میلاد مسیح (ع) آن را از تقویم قمری یونانیان گرفته بود. این تقویم سپس توسط «جولیوس سزار» در سال ۴۵ پیش از میلاد تغییر کرد و شکل جدید خود را از تقویم مصریان با ۳۶۵ روز در سال گرفت که کبیسه آن نیز در آخر ماه فوریه تعریف شده بود.

در گاه‌شمار «ژولینی» که مبدا آن میلاد حضرت مسیح (ع) بود یکسال به ۳۶۵ روز تقسیم شده بود که هر چهار سال، یک روز به روزهای آن اضافه می‌شد. این تقویم به علت دقیق نبودن کسر سال نسبت به سال اعتدالی، هر ۱۲۸ سال یک روز عقب می‌افتاد به طوری که در سال ۳۲۵ میلادی، اعتدال بهاری که در ۲۱ مارس صورت گرفته بود، در سال ۱۵۸۲ با ۱۰ روز عقب افتادگی به ۱۱ مارس رسیده بود.

پس از این اتفاق یک پزشک ایتالیایی به نام «آلویسیوس لیلیوس»، با تصحیح ایرادات تقویم «ژولینی»، گاه‌شمار دیگری را به واتیکان پیشنهاد داد که در نهایت این تقویم از سوی پاپ «گریگوری سیزدهم» پذیرفته شد و به گاه‌شمار «گریگوری» یا همان تقویم میلادی شهرت یافت.

این گاه‌شمار در ابتدا در میان کشورهای کاتولیک اروپا و سپس در میان پروتستان‌ها و ارتدکس‌ها پذیرفته شد. در میان کشورهای اروپایی، یونان آخرین کشوری بود که در سال ۱۹۲۳ اقدام به پذیرش این گاه‌شمار کرد و کشورهای ژاپن، کُره و چین نیز به ترتیب در سال‌های ۱۸۹۵، ۱۸۷۲ و ۱۹۱۲ گاه‌شمار گریگوری را به طور رسمی به عنوان تقویم کشور خود پذیرفتند.

در حال حاضر حتی اغلب کشورهای اسلامی نیز گاه‌شمار میلادی را به عنوان تقویم رسمی خود شناخته‌اند، به طوری که مصر در سال ۱۸۷۵، ترکیه در سال ۱۹۲۶ و عربستان سعودی نیز در سال ۲۰۱۶ این گاه‌شمار را به عنوان تقویم رسمی کشور خود معرفی کردند.

رنگ سبز کشورهایی هستند که از تقویم میلادی استفاده می‌کنند. رنگ خاکستری کشورهایی هستند که از نسخه دستکاری شده تقویم میلادی استفاده می‌کنند. رنگ نارنجی کشورهایی هستند که در کنار تقویم میلادی از تقویم‌های دیگری نیز استفاده می‌کنند و رنگ قرمز نیز کشورهایی هستند که از تقویم میلادی استفاده نمی‌کنند. طبق آمار جهانی در اوت ۲۰۲۰، ایران، افغانستان، اتیوپی و نپال، کشورهایی هستند که هنوز تقویم میلادی در آن‌ها به عنوان تقویم رسمی به‌شمار نمی‌رود.

البته این تقویم بین‌المللی علی‌رغم دایره گسترش و پذیرش خود در جهان، خالی از اشکال نیست و در حالی اول ژانویه به عنوان سرآغاز شروع سال جشن گرفته می‌شود که این روز مُصادف با اوایل زمستان در نیم‌کره شمالی و اوایل تابستان در نیم‌کُره جنوبی است، ضمن آنکه از لحاظ حرکت انتقالی زمین با وضعیت فصل‌ها و موقعیت خاص زمین مانند اعتدالین و انقلابین نیز همخوانی ندارد و شمار روز هر ماه نیز در آن نامنظم است. در واقع در گاه‌شمار میلادی، سرآغاز سال و سرآغاز ماه‌ها کاملا قراردادی است و به مسائل نجومی یا حرکت انتقالی زمین مربوط نیستند و با بُروج سروکاری ندارند، ضمن آنکه در طول تاریخ، بسیاری به دلخواه در این تقویم دَخل و تصرف‌هایی را نیز داشته‌اند!

این تقویم همچنین پایه دقیق مذهبی ندارد و ایام مذهبی را به طور کامل مشخص نمی‌کند به طوری که مُنجمان ناچارند هر سال با کمک گرفتن از روش‌های خاص و همچنین رجوع به تقویم قمری، تکلیف روزهای خاصی از سال را روشن کنند، به همین جهت «عید پاک» در فاصله ۲۲ مارس تا ۲۵ آوریل دائما در تغییر است!

گاه‌شمار قمری

گاه‌شمار قمری بر پایه گردش هلال ماه به دور زمین و مشاهده گام‌های ماه تعریف شده است. این گاه‌شمار با گاه‌شمار شمسی که بر پایه گردش زمین به دور خورشید است، تفاوت دارد، از همین رو تعداد روزهای سال خورشیدی بیشتر از تعداد روزهای یکسال قمری است.

گاه‌شمار هجری قمری، یک نمونه رایج از گاه‌شمار قمری است که در جهان اسلام مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع تا پیش از جهانی شدن گاه‌شمار میلادی در بسیاری از کشورهای اسلامی و رسمی شدن گاه‌شمار هجری شمسی در ایران و افغانستان؛ سالنامه هجری قمری، تقویم اصلی کشورهای اسلامی بود و وقایع تاریخی در اکثر قریب به اتفاق موارد با این گاه‌شمار ثبت می‌شد.

در گاه‌شمار مسلمانان که در دوره خلافت «عُمَربن خَطّاب» شکل رسمی به خود گرفت، هجرت سرنوشت‌ساز پیامبر اسلام (ص) از مکه به مدینه، به عنوان مبدا تقویم هجری قمری مشخص شد. در واقع پس از فتح ایران توسط اعراب، چون «عُمَر» احساس کرد که برای تقسیم ثروت و پرداخت حواله‌ها؛ تاریخی را لازم است تا بتواند امور را مدیریت کند، منجمان و کتابداران و تاریخ‌دانان ایرانی را خواست تا رسم معمول گاه‌شماری و گاهنباری ایرانیان در

این زمینه را بداند. «عُمَر» سپس بعد از مشورت با مشاورانش به پیشنهاد علی‌بن ابیطالب (ع)، تاریخ هجرت حضرت محمد (ص) از مکه به مدینه را به عنوان آغاز تاریخ اسلام قرار داد و اول محرم را نیز به عنوان روز ابتدای سال مُقرر نمود.

در گاه‌شمار هجری قمری، هر سال ۱۲ ماه دارد که هر کدام با توجه به ماه هلالی، ۲۹ روز یا ۳۰ روزه هستند. ماه هلالی یک دور چرخش کُره ماه بر مدار خود بین فاصله زمانی مشاهد دو هلال ماه است که طول متوسط آن ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه و ۲.۷۸ ثانیه می‌باشد. طول یکسال قمری در سال‌های عادی نیز ۳۵۴ روز و در سال‌های کبیسه ۳۵۵ روز است.

روز اول هر ماه در این گاه‌شمار نیز معمولا براساس مشاهده یا پیش‌بینی مشاهده‌پذیری هلال ماه نو در شامگاه روز ۲۹ یا ۳۰ ماه قبل که آن را «استهلال» می‌نامند تعیین می‌شود.

گاه‌شمار هجری قمری هلالی، معمولی‌ترین شیوه محاسبه ماه‌ها در تقویم قمری است که در کشورهای اسلامی به منظور تعیین اعیاد و مناسبت‌های مذهبی استفاده می‌شود. در این گاه‌شمار، روز اول هر ماه براساس مشاهده یا پیش‌بینی مشاهده‌پذیری هلال ماه نو، در شامگاه روز ۲۹ یا ۳۰ ماه قبل تعیین می‌شود. در این گاه‌شمار برای توالی ماه‌های ۲۹ و ۳۰ روزه نظم و قاعده مشخص وجود ندارد، از این رو ممکن است چند ماه متوالی ۲۹ روزه یا ۳۰ روزه وجود داشته باشد!

در این شیوه، چون هلال ماه جدید معمولا در غروب آفتاب دیده می‌شود، اعراب شب را به روز مُقدم می‌دانند و شبانه‌روز آنان از غروب آفتاب تا غروب آفتاب بعدی است و این در حالی است که در میان ایرانیان و رومیان از دیرباز، آغاز شبانه‌روز از ابتدای طلوع خورشید بوده است.

در هر صورت تقویم‌های قمری در هر کشور بنا بر طول نصف‌النهار آن کشور تنظیم می‌شود، پس این تقویم در کشورهای مختلف با یکدیگر تفاوت دارد. همچنین از آنجا که ماهِ نو از شب رویت هلال ماه آغاز می‌شود، بنابراین مردم صاحب این تقویم یکشنبه شب را دوشنبه می‌نویسند و تاریخ روز بعدی را به شب قبلی می‌چسبانند!

گاه‌شمار مصری

همانطور که پیش از این نیز به آن اشاره شد، قدیمی‌ترین معیار ساخت تقویم، نوع قمری آن می‌باشد که براساس حرکت ماه و پیدایش ماه جدید در آسمان است، البته این در حالی است که قبل از آن مصریان باستان دریافته بودند که طُغیان «نیل» بزرگ، دارای نظم خاصی است و می‌توانند از آن به عنوان معیاری برای گذشت زمان استفاده کنند.

مصریان باستان در زمان خود از تقویمی استفاده می‌کردند که در آن یکسال شامل ۱۲ ماه ۳۰ روزه بود. آن‌ها به مرور زمان متوجه مشکلاتی که در این تقویم تعریف کرده بودند شدند به طوری که به تدریج، تغییر فصل در روزهای غیرمشابه سال انجام می‌شد و گویی زمان تغییر فصل در تقویم در حال حرکت باشد! آن‌ها در حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد تصمیم گرفتند که در پایان هر سال پنج روز را به سال اضافه کنند تا مشکل تغییر فصل را حل کنند. این پنج روز در واقع برای آن‌ها جزء روزهای جشن و تعطیلات محسوب می‌شد و در این روزها کار نمی‌کردند.

جای تعجب است که «پاپیروس»های به جا مانده از مصریان باستان نشان می‌دهد که آن‌ها مدت زمان گردش زمین به دور خورشید را دقیقاً معادل ۳۶۵ و یک چهارم روز تعیین کرده بودند، ولی متاسفانه برای حل مشکل کسری یک چهارم روز اندیشه خاصی را نکرده بودند! به همین دلیل پس از گذشت ۱۴۶۰ سال خورشیدی معادل چهار بازه ۳۶۵ سال خورشیدی تعداد سال‌های گذشته شده مصری معادل ۱۴۶۱ سال می‌شد! و نتیجه آن شده بود که گاه‌شمار یا تقویم بر فرض تابستان را نشان می‌داد، حال آنکه آب و هوا وضعیت زمستان را‍!

نمونه‌ای از یک گاه‌شمار باقی مانده از مصر باستان

«هر سال با فرا رسیدن بارش باران‌های سنگین و ذوب برف‌ها در سَرچشمه‌های نیل در کوه‌های آفریقای مرکزی باعث جریان یافتن سیلاب‌ها می‌شود. در این زمان رود نیل از کناره‌هایش سَرریز می‌کند. کاهنان مصری می‌خواستند جشن‌های مذهبی را با روزهایی که برای کشاورزی معتبر و با اهمیت بود مصادف شوند به همین دلیل آن‌ها باید روشی علمی را برای قرار گرفتن در جریان زمان ابداع می‌کردند.» (اسمیت، ۱۳۸۰: ۴۷).

«گاه‌شمار قمری – مصری، که در آغاز دوره فراعنه وضع شد، هرچند جنبه علمی داشت، ولی جهت انجام امور اقتصادی و مالی مناسب نبود. برای مردم کوچه و بازار کارکردن با گاه‌شماری که گاه سال‌های آن ۱۲ ماه و گاه ۱۳ ماه بود و روز اول هر یک از ماه‌های آن نیز می‌بایست رصد شود، دشوار بود. در عمل طبقه‌ی خاصی از کاهنان که «مباشران ساعات» نامید می‌شدند سرپرستی امور مربوط به زمان‌سنجی را برعهده گرفتند و به امور مربوط به زمان سنجی و تعیین روزهای اول ماه‌های قمری پرداختند.» (تقی‌زاده، ۱۳۶۹: ۵۸).

«مصریان باستان از طریق جداول، ساعت‌های ستاره‌ای مورب روزهای ابوغضا (۵ روز اضافه‌ای که به ماه دوازدهم اضافه می‌کردند و به معنی ماه کوچک است) را محاسبه می‌کردند، اما به این نکته توجه نمی‌کردند که پس از ۳۶۵ روز، خورشید دقیقاً به محاذات همان ستاره معین مراجعه نمی‌کند. در نتیجه جدول در هر چهار سال یک روز را اشتباه محاسبه می‌کند.» (ولز، ۱۳۸۴:۴۴۱).

«در این گاه‌شمار به علت این‌که هیچ روزی را کبیسه نمی‌کردند، در نتیجه روز آغاز این‌گاه‌شماری در سال خورشیدی آن قدر به عقب می‌افتاد تا این‌که در یک دوره ۱۴۵۲ تا ۱۵۰۶ ساله دوباره به جای اول خود بازمی‌گشت.» (سی ول، ۱۳۸۴: ۴۴۷).

در هر حال، بر پایه آنچه که در بالا بیان شد، می‌توان گفت که عامل اصلی پیشرفت علم نجوم و گاه‌شماری مصریان باستان دو چیز بوده است. نخست

آنکه حیات اجتماعی این قوم مُتمدن وابسه به «نیل» بوده است و با محاسبه کردن زمان‌های طغیان و نشست و کشت و برداشت؛ حیات اجتماعی خود را تضمین می‌کردند و دوم آنکه خدایان بزرگ مصری، اجرام سماوی بودند که منزلگاهشان در دل آسمان بود؛ بنابراین برای تعیین دقیق زمان جشن‌ها و مراسمات دینی خود و هماهنگ کردن آن با جشن‌های حاصل از برداشت محصول و...، نیازمند گاه‌شماری دقیق بودند.

گاه‌شمار قمری به دلیل مشکلاتی که داشت و ایجاد سردرگمی در میان کارهای اداری و بازاری مردم، نتوانست نیاز مردم مصر باستان را برآورده کند، بنابراین گاه‌شماری خورشیدیِ گردان اختراع شد، اما این گاه‌شمار نیز به دلیل ثابت نبودن نتوانست نیازهای دینی کاهنان را برطرف کند؛ بنابراین گاه‌شمار سومی ساخته شد که ثابت بود و می‌توانست پاسخگوی نیازهای مردم باشد و نکته جالب توجه این است که با ورود گاه‌شمار جدید، گاه‌شمار قبلی منسوخ نشد و در کنار گاه‌شمار جدید به حیات اجتماعی خود ادامه داد به طوری که به مدت ۲۸۰۰ سال گاه‌شمار «گردان» و گاه‌شمار «ثابت» دو گاه‌شمار اصلی مصر بودند و در واقع آن‌ها به صورت کاملا مسالمت‌آمیزی پاسخگوی نیازهای جامعه کُهن مصر بودند.

گاه‌شمار عِبری

اولین دستور خداوند به بنی‌اسرائیل، تعیین حلول ماه عِبری «نیسان» به عنوان مبدا شمارش ماه‌های سال بوده است:

«خداوند به مُشه (حضرت موسی (ع)) و اَهَرون (هارون برادر حضرت موسی (ع)) در سرزمین مصر چنین فرمود: این ماه (نیسان) برای شما اول ماه‌ها باشد، این ماه برای شما اولین ماه از ماه‌های سال خواهد بود.» (سفر شَموت: ۲ و ۱: ۱۲)

براین اساس، تعیین شماره روزها، آغاز ماه‌ها و شمارش سال‌ها از مهم‌ترین موضوعاتی بود که از دیرباز مورد توجه علمای قوم یهود بوده است. طبق فرمان خداوند، اعیاد سه‌گانه یهود (پَسح: سالگرد خروج بنی‌اسرائیل از مصر؛ شاووعُوت: نزول تورات در کوه سینا؛ سوکُوت: جشن سایه‌بان‌ها) می‌بایست در موعد و با مراسم عبادی ویژه برگزار شود. همچنین روزهای رُوش هَشانا (آغاز سال نو) و یُوم کیپور (روزه بزرگ برای بخشش گناهان) که با آداب و احکام خاص همراه هستند، می‌بایست به دقت تعیین گردند، چرا که بنابر اعتقاد یهودیان، در چنین ایامی است که خداوند سرنوشت یکسال گذشته را مورد بررسی قرار داده و چگونگی وضعیت و گذران زندگی را برای سال آینده رقم می‌زند. علاوه بر این جدا کردن تِروما (سهم کاهن‌ها) و مَعَسِر (یک دهم) از محصول و بهائم و استفاده از میوه درختان غرس شده وابسته به تعیین دقیق روزها و ماه‌های سال بود.

دانستن شماره سال‌ها نیز از این جهت حائز اهمیت بود که بنابر فرمان خداوند متعال در تورات، در پایان هر دوره هفت ساله، سال شِمِطا فرا می‌رسید که در آن امور کشاورزی تعطیل می‌شد و گروهی از محکومین جرائم مالی آزاد می‌شدند.

در پایان هفت دوره ۷ ساله نیز در سال پنجاهم، سال یُوبِل فرا می‌رسید که آن نیز شامل احکام خاص خود بود و از این جهت، شمردن سال‌ها نیز بسیار اهمیت داشت.

یک گاه‌شمار عبری به‌سال ۱۹۰۴ میلادی برای شمارش ایام عومر در موزه یهودیان منهتن

طبق آیه ذکر شده از تورات در بالا، ماه‌های عِبری، با حلول ماه آغاز می‌شود و با حلول بعدی (یعنی یک دوره گردش ماه به دور زمین) پایان می‌یابد. زمان دقیق شروع ماه، هنگامی است که کُره ماه بین زمین و خورشید قرار دارد و در این حالت قابل رویت نمی‌باشد. این زمان به عِبری - «مولاد» به معنای تولد – نام دارد. فاصله زمانی بین دو مولاد نیز برابر ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه و ۳۳.۱ ثانیه است.

همچنین یک سال قمری در این تقویم ۳۵۴ روز و ۸ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۶۶ ثانیه بوده و از سال شمسی که حدود ۳۶۵ روز و ۶ ساعت می‌باشد، ۱۰ روز و ۲۱ ساعت و ۱۱ دقیقه و ۱۸ ثانیه کوتاهتر است و این تفاوت موجب گردش ماه‌های قمری نسبت به سال شمسی می‌شود. از سوی دیگر، طبق فرمان تورات، سالگرد خروج بنی‌اسرائیل از مصر (عید پَسح) همواره باید در اوایل بهار جشن گرفته شود و جشن سایه‌بان‌ها (سوکُوت) نیز باید در اوایل پاییز برگزار گردد در صورتی که سال عبری طبق ماه‌های قمری شمرده شود، پس از گذشت ۹ سال، عید پَسح از اول بهار به آخر پاییز منتقل خواهد شد.

این در حالی است که این اعیاد و جشن‌ها علاوه بر یاد بود مذهبی و تاریخی، جنبه کشاورزی نیز دارند، از همین رو برای تطبیق این دو موضوع (قمری بودن ماه‌ها و تطابق اعیاد و مناسبت‌ها با سال شمسی) چُنین مقرر شد که هر دو یا سه سال یکبار، سال کبیسه اعلام شده و یکماه به آن اضافه شود (سال ۱۳ ماهه) به این ترتیب از چرخش ماه‌ها و مناسبت‌ها نسبت به سال شمسی جلوگیری می‌شود. اعلام سال کبیسه در ابتدا توسط مجمع عالی روحانیون یهود و به صورت مشورتی انجام می‌گرفت. همانگونه که شروع ماه‌هایی که اعیاد مهم در آن‌ها قرار داشت، با رویت حلول ماه توسط همین مجمع و ارسال پیک به مناطق یهودی‌نشین اعلام می‌شد. علما و دانشمندان یهود برای تنظیم و تثبیت تقویم عبری تلاش بسیار نمودند و در حدود سال ۴۱۱۰ عبری (۱۶۵۰ سال پیش) شکل نهایی و امروزی تقویم عبری توسط دانشمندی به نام «هیلل دوم» تدوین شد.

در این گاه‌شمار قدیمی، مبنای سرآغاز شمارش تقویم، آفرینش حضرت آدم در نظر گرفته شده است. طبق گفتار تورات، خداوند در شش مرحله (دوره) یا شبانه‌روز، جهان را آفرید و در آخرین مرحله، بشر متعقل را خلق کرد. پس از آن تورات به طور دقیق، عمر آدم اول را ذکر می‌کند و تاریخ جهان (یهود) را با ذکر طول عمر نسل‌های بعدی حضرت آدم تا انبیاء بعدی و تا حدود اوایل آبادی معبد دوم بِت هَمیقداش (بیت‌المقدس) شرح می‌دهد. با محاسبه این سال‌ها از مبدا مذکور، طول تاریخ تقویم عبری براساس محاسبه یهودیان به ۵۷۶۰ سال (در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ هجری شمسی) می‌رسیده است.

گاه‌شمار عبری در میان ایرانیان یهودی‌تبار به تقویم «مختط» معروف است.

گاه‌شمار چینی

تقویم سنتی چین، تقویمی است که تاریخ را براساس رویدادهای ستاره‌شناسی محاسبه می‌کند. این تقویم که خاستگاه آن به قرن پنجم پیش از میلاد باز می‌گردد، در حال حاضر در کنار گاه‌شمار میلادی، مشخص کننده جشن‌های آئینی برای یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر از مردم جهان است.

در واقع چینی‌ها هرچند از سال ۱۹۱۲ میلادی، گاه‌شمار میلادی را برای مصارف روزانه خود به طور رسمی پذیرفتند، اما هنوز تعطیلات و آیین‌های خود را براساس تقویم قدیمی خود محاسبه و تثبیت می‌کنند.

گاه‌شمار چینی توسط سلسله‌های باستانی چین، بسط و توسعه یافت، ولی نسخه فعلی آن در سال ۱۰۴ قبل از میلاد و در زمان امپراطوری «وئو» (wu) از سلسله «هان» (Han) تنظیم و تهیه گردید. این تقویم «تای چو» (Taichu) نامیده شد و تا همین امروز نیز با همین نام خوانده می‌شود.

برای هر سال در تقویم چینی، از میان ۱۲ حیوان، نام یک حیوان انتخاب شده است که پس از یک گردش ۱۲ ساله، یک چرخه، کامل می‌شود.

موش، گاو، ببر، خرگوش، اژدها، مار، اسب، گوسفند (بُز)، میمون، خروس، سگ و گُراز از جمله حیوانات تقویم چینی هستند که براساس یک افسانه چینی با ترتیبی که ذکر شد، پشت سرهم قرار گرفته و سال‌ها را با آن نام‌گذاری می‌کنند.

تصویری تزئینی از نقش حیوانات در گاه‌شماری چینی

همچنین در این تقویم، برای هر سال یک عنصر وجود دارد. چوب، آتش، خاک، فلز و آب، پنج عنصری هستند که طی هر سال می‌چرخند.

آغاز سال نو چینی در فاصله بین ۲۱ ژانویه و ۲۱ فوریه هر سال واقع می‌شود، زیرا براساس گردش خورشید و ماه تعیین می‌گردد. این تقویم دارای ۱۲ ماه قمری است و هر ماه قمری از نیمه شب روزی که ماه تاریک می‌شود، آغاز می‌شود.

وقتی که ۱۲ حیوان یاد شده با پنج عنصری که ذکر شد ترکیب شوند، تقویم چینی یک دوره ۶۰ ساله امتداد می‌یابد. در این گاه‌شمار هر ماه قمری ۲۹ یا ۳۰ روزه است که هر چند سال یکبار، یک ماه به ماه‌های معمول تقویم اضافه می‌شود تا تقویم چینی با تقویم شمسی از لحاظ طول زمان برابر گردد.

گاه‌شمار چینی، در واقع شالوده بسیاری از تقویم‌ها در تمدن‌های مشرق زمین بوده است. کُره‌ای‌ها و ژاپنی‌ها ساختار تقویم خود را از تقویم چینی‌ها وام گرفتند تا جایی که تنها تفاوت آن‌ها با تقویم چینی در مبدا این تقویم‌ها بوده است.

تقویم مُغولی و تَبَتی نیز به طور غیرمسقیم از تقویم چینی تاثیر گرفته است. ایغورها نیز که تقویم خود را مدیون مُغولان بودند، به نحوی وام‌دار تقویم چینیان هستند.

این تاثیر در دوره ایلخانی نیز به ایران منتقل شد و اساس تقویم دوازده حیوانی را در شکل تقویم ایرانیان گذاشت.

گاه‌شمار هندو

گاه‌شماری هندی اصطلاحی است که به سامانه‌های گاه‌شماری رایج در هند گفته می‌شود که دیرینگی آن‌ها به هزار سال پیش از میلاد حضرت مسیح (ع) می‌رسد. این تقویم قمری بوده و سال را به ۱۲ چرخه کامل ماه تقسیم می‌کند. این تقویم‌ها همگی از یک مفهوم مشترک برای شمارش زمان استفاده می‌کنند، اما تفاوت‌شان از نظر تاکید بر روی ماه یا خورشید و نام ماه‌ها است و این‌که سال با چه ماهی آغاز شود.

در این تقویم، از آنجا که سال قمری ۳۵۴ روز می‌شود که ۱۱ روز از سال خورشیدی ۳۶۵ روز، کمتر است در ازای هر سه یا دو سال یک ماه به تقویم اضافه می‌شود تا این اختلاف تا حدی جبران شود.

صفحه‌ای از یک گاه‌شماری هندی متعلق به سال ۱۸۷۱–۱۸۷۲ میلادی

از میان تقویم‌های هندی «ویکرم سموت» در بخش‌های شمالی و مرکزی هند از همه معروف‌تر است. به طور کلی در شبه جزیره هندوستان، در طول سالیان کُهن تقویم و گاه‌شمارهای گوناگونی وجود داشته است. یکی از تقویم‌های بسیار مهمی که در زمان «ابوالفتح جلال‌الدین محمد اکبر سومین» معروف به «اکبرشاه» یا «اکبر کبیر» که یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین فرمانروایان سلسله گورکانیان به حساب می‌آید، همه‌گیر و رسمی شد، تقویم «الهی» بود. این تقویم در واقع برای از بین بردن آشفتگی و تسهیل کار مردم هند مُصوب و رایج شد و در سرتاسر هندوستان مورد استفاده قرار گرفت. پیش از تقویم الهی «اکبر شاه»، تقویم‌های اسکندری و یزدگردی در این کشور بزرگ رواج داشت.
مبدا تقویم الهی نیز نوروز ۹۶۳ هجری بود که با تاجگذاری «اکبرشاه» آغاز می‌شد.

درحال حاضر گاه‌شمار ملی هند «شالیواهانا شاکا» نام دارد که به عنوان تقویم رسمی داخلی در هندوستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته این تقویم در کنار گاه‌شمار میلادی مورد استفاده روزنامه‌های رسمی، رادیو و تلویزیون و همچنین مکاتبات رسمی دولت هند است.

اساس باور تاریخی این تقویم نیز به دوران «شالیواهانا» باز می‌گردد که آغاز تاسیس امپراتوری توسط قهرمان افسانه‌ای شالیواهانا بود.

گاه‌شمار «ساکا» به طور مُبهمی از گاه‌شمار هندو ناشی شده است. در این گاه‌شمار، با در نظر گرفتن حرکت آهسته خورشید از مسیر حرکت ظاهری سالانه خود نسبت به زمین، طول ماه‌های آن در نیمه نخست سال ۳۱ روز است. شش ماه دوم سال نیز در این تقویم ۳۰ روز دارند.

تا این مقطع از گزارش، توضیحاتی اجمالی از مهمترین و پرکاربردترین گاه‌شمارهای حال حاضر جهان ارائه داده شد و لازم به ذکر است که علاوه بر تقویم‌های اشاره شده، گاه‌شمارهای دیگری نیز با نام‌های اتیوپیایی، ارمنی، بابلی، مایا، رومی، اچمی، بالی، بربری، بنگالی، بودایی، بهائی، تایلندی، ژاپنی، سریانی، برمه‌ای، مغولی، قبطی، کُردی، مغانی، طبری، دیلمی، کُره‌ای (جوچه)، گرجی، ویتنامی، ایگبو، مینگو، هولوسن، سلتی و جاوه‌ای نیز در مناطق مختلفی از جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد که برپایه قمری یا شمسی-قمری هستند.

حال در ادامه به یکی از دقیق‌ترین و مهم‌ترین گاه‌شماره‌های ابداعی بشر و مختصری از تاریخچه آن، یعنی گاه‌شمار ایرانیان می‌پردازیم.

گاه‌شماری ایرانیان

شناخت ایران باستان بی‌گمان بدون شناخت فلسفه اخلاق ایرانیان باستان مُیسر نیست چرا که یکی از عوامل بَسط و قبض تمدن ایران باستان را در بررسی اخلاق آنان می‌توان یافت.

واقعیت این است که در جهان، هیچ ملتی و تیره‌ای به اندازه ایرانیان به گاه‌شماری و تاریخ‌نگاری دلبسته نبوده است و هیچ ملتی، چون ایرانیان دارای آن همه سنجش‌های اندازه‌گیری زمان از هزاره‌ها، دوره‌ها و سال‌های خورشیدی و قمری گوناگون سال‌ها، ماه‌ها، هفته‌ها، روز و ساعت و دقیقه و... با نام و نشان‌های جداگانه نبوده است. باید دانست که هر کدام از این سنجش‌های نامبرده برای آهنگ ویژه‌ای پدیدار و درست شده و موارد به کارگیری ویژه داشته است.

در باور ایرانیانِ باستان، اهورامزدای بزرگ شش فُروزه اَرجمند داشت که هر یک مفهومی از عظمت خداوند یکتا بودند و آدمی با شناخت و پیروی از آنها، می‌توانست ذات اَقدس اَهورامزدا را درک کند.

«اَمِشا سپَندان» یا همان شش فُروزه جاوید اَهورامزدا، از دو جزء «اَمِشَه» به معنی جاودانگی و بی‌مرگی و «سپَنته» به معنی پاک و مقدس و فُزونی‌بخش تشکیل شده است و در جهان‌بینی مذهبی دین زرتشت بر اندیشه نیک و خِرد (وَهومن یا بهمن)، راستی و داد و قانون (اَشا وهیشتا یا اُردیبهشت)، نیروی پسندیده اَهورایی (خَشترا یا شهریور)، مِهر و مُدارایی اَفزاینده (سپَنتا آرمیتی یا سپندارمزد یا اسفند) استوار است که با درک واقعی آنها، انسان به خودشناسی و رَسایی (اُوتات یا خرداد) و در نهایت به جاودانی (اَمرتات یا اَمرداد یا مرداد) می‌رسد.

این شش فُروزه ایزدی که در نام ماه‌هایی از گاه‌شمار ایرانیان نیز مُستتر می‌باشد، پیش از زرتشتِ پاک نهاد، هر یک نام خدایی جداگانه بودند که توسط پیامبر ایرانیان به عنوان صفات خداوند یکتا معرفی شدند.

ایرانیان اولین گام‌های خود را برای پیدایش و ابداع گاه‌شماری از بیش از ۴۰۰۰ سال پیش، برداشتند و با گذر زمان در آن تغییرات بسیاری را ایجاد کردند تا امروز به واسطه حکیم عُمرخیام، و از حدود هزار سال قبل دقیق‌ترین تقویم جهان را در اختیار داشته باشند.

گل لوتوس یا گل نیلوفر در فرهنگ ایران باستان یکی از نمادهای مهم تمدن هخامنشی است.این گل دوازده برگی در تخت جمشید و شوش از اصیل‌ترین نشانه‌های این تمدن چند هزار ساله است که هر گلبرگش می‌تواند نماد یک ماه شمسی باشد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که گاه‌شماری در ایران از گاه‌شماری بابلی، که گاه‌شماری خورشیدی بود ریشه گرفته است. در واقع ایرانیان به دلیل آئین میترایی، از دیرباز به خورشید که منبع نور و روشنایی بود ارادت ویژه‌ای داشتند.

پس از میلاد زرتشت و سپس شکل‌گیری حکومت هخامنشیان، گاه‌شماری زرتشتی در ایران رسمیت یافت. تغییرات در این گاه‌شمار در طول دوره پیش از اسلام همچنان ادامه داشت و حتی پس از اسلام و ورود اعراب به ایران هرچند برای قرن‌ها گاه‌شمار رسمی در بخش‌های مختلف ایران قمری بود، اما گاه‌شمار خورشیدی همچنان کاربرد داشت.

در این بین نیز با توجه به نیاز اجتماعی و اقتصادی جامعه ایرانیان و همچنین پیشرفت علوم، دانشمندان ایرانی زیادی دست به مطالعه و اصلاح گاه‌شمار ایران زدند، ولی در نهایت این خیام بزرگ بود که با دانش بی‌مانند خود و با حمایت خواجه نظام‌الملک، وزیر با درایت و بسیار کاردان ملکشاه سلجوقی توانست گاه‌شمار جلالی که دقیق‌ترین نظام گاه‌شماری خورشیدی در جهان است را ایجاد کند، تا در نهایت با تصویب مجلس شورای ملی در یازدهم فروردین ۱۳۰۴ هجری شمسی، این تقویم به عنوان گاه‌شمار رسمی ایران معرفی شود.

سرگذشت گاه‌شمار ایرانیان پیش از هخامنشیان

قدیمی‌ترین تقویم پیش از هخامنشیان با بنای اقتصاد کشاورزی ایرانیان و نیاز به تعیین فصول، در واقع نوعی تقویم فصلی بوده است که به خصوص از سوی ساکنان غربی ایران متاثر از تقویم بابلیان، خورشیدی – قمری بوده که تا زمان هخامنشیان نیز مرسوم بوده است.

از آثار نوشتاری باستانی بر می‌آید که ایرانیانِ آغازین، از تقویم ۳۶۰ روزه بر پایه تقویم بابلی استفاده می‌کردند که با اعتقادات و نام‌های پارسی هماهنگ شده بود. این تقویم ۱۲ ماهه، هر شش سال یکبار، ماه سیزدهمی هم برای نگاه داشت سال خورشیدی با گردش ماه‌های قمری داشت.

به استناد نوشته‌های «ابوریحان بیرونی»، در نواحی شرقی ایران نیز تقویمی خورشیدی شبیه به تقویم زرتشتی با هر ماه ۳۰ روزه و کبیسه یکماه در هر شش سال، مرسوم بوده است.

در هزار سال پیش، «ابوریحان» در «آثار الباقیه عین‌القرون الخالیه»، درباره پیدایش گاه‌شماری در ایران می‌گوید: «پیشدادیان» (کهن‌ترین دودمان ایران زمین) سال را ۳۶۰ روزه می‌گرفتند و ماه را ۳۰ روزه، هر شش سال یک ماه اندرهلی برای کبیسه‌گیری داشتند و هر ۱۲۰ سال دو ماه اندرهلی، یکی برای پنج روزهای رها کرده و دیگری برای یک چهارم روزهای فرد هستند.

گاه‌شمار ایرانیان در مسیر تکامل

کتیبه‌های به جا مانده از داریوش بزرگ در کوه بیستون کرمانشاه و سایر فرمان‌های شاهان هخامنشی، به خوبی ما را از تقویم رسمی امپراتوری عظیم ایران در ۲۵۰۰ سال پیش و چگونگی اصول زمان‌سنجی در آن روزگار آگاه می‌کند.

متن این کتیبه‌ها و محتوای فرمان‌ها نشان می‌دهد که ایرانیان قدیم، سال را به ۱۲ ماه تقسیم می‌کردند و فصول و جزییات آن را کاملا می‌شناختند.

نقش برجسته و کتیبه معروف داریوش بر سینه کوه بیستون

روایت است که داریوش، دو نفر ستاره‌شناس نامدار "کلدانی" به نام‌های «نبوریمنو» و «کیدینوس» را به جهت اصلاح تقویم به ایران دعوت کرد و آن‌ها به واسطه تسلط خود به دانش نجوم، یک سال شمسی را برابر با ۳۶۵ روز و شش ساعت و ۱۵ دقیقه و ۴۱ ثانیه معین کردند.

به احتمال قوی نیز سال و ماه ایرانیان با این محاسبه نسبتاً دقیق با اصول سال و ماه بابلی تنظیم شده باشد.

این تقویم که قدیمی‌ترین نمونه زمان‌سنجی در ایران است و تا زمانی که گاه‌شماری زرتشتی در ایران گسترش یافت، تقویم رسمی کشور بود.

براساس متون خِشتی تخت جمشید، احتمال داده می‌شود که آغاز سلطنت هر پادشاهی نیز، مبدا تاریخ هر دوره از گاه‌شمار به حساب می‌آمده است.

در این تقویم، آغاز سال با آغاز پائیز و برگزاری جشن «میترا کانا» که در پارسی نو به آن جشن «مهرگان» می‌گوییم بوده است و سال به چهار فصل، سه ماهه تقسیم شده بود که هر ماه آن نیز ۳۰ روز بوده است.

پس از پادشاهی داریوش، گاه‌شماری زرتشتی در ایران گسترش یافت. این گاه‌شمار، تقویم دینی «مزدسینا» یا گاه‌شماری «اوستایی» نیز نامیده می‌شد. واحدهای تقسیم زمان این گاه‌شمار مانند روز، بُرج، فصل و سال براساس باورها، آیین‌ها و اسطوره‌های مذهبی زرتشتی است.

پس از حمله اسکندر به ایران و سقوط هخامنشیان و تسلط یونانیان بر ایران، گاه‌شمار یونانی در ایران به اجبار رسمیت گرفت و گاه‌شمار زرتشتی از رسمیت افتاد. پس از سلوکیان و در دوره اشکانیان نیز اگرچه تقویم زرتشتی مجدداً در میان مردم مورد استفاده قرار گرفت، اما به دلیل بی‌دقتی در کبیسه‌گری چندان مورد استفاده رسمی نبود تا این‌که در دوره ساسانیان مجدداً این تقویم زنده شد و سَروسامان تازه‌ای گرفت.

شاهنشاهی ساسانی نیز که سیاست دینی را به حمایت از دین زرتشت بنا نهاده بود، با انجام اصلاحاتی در تقویم زرتشتی، آن را مجدداً در میان عموم مردم، بسط داد. در دوره ساسانی، معمولا هر شاهنشاه مبنای تقویم را، سالِ به شاهی رسیدن خود قرار می‌داد به طوری که به عنوان مثال برای شِمُردن سالیان، گفته می‌شد «سال سوم اردشیر» و این نسبت تا آخرین شاه دودمان ساسانی یعنی یزدگرد سوم نیز برقرار بود. در این دوره هُرمز یکم و یزدگرد سوم تلاش‌های بسیاری برای سامان دادن هرچه بیشتر به گاه‌شمار ایرانیان کردند به طوری که تغییرات یزدگرد سوم، گاه‌شمار ایرانیان را به تقویم یزدگردی معروف کرد و این تقویم حتی پس از انقراض سلسله ساسانی و یورش اعراب به ایران، در نزد ایرانیان که همچنان قصد داشتند تا کیش و آیین خود را حفظ کنند مرسوم بود.

تلاش خیام و ریاضی‌دانان همراهش برای پیدایش گاه‌شمار جلالی

با یورش اعراب به ایران، تقویم هجری قمری برای سالیان متمادی به عنوان تقویم رسمی ایرانیان انتخاب شد که نام‌های عربی نیز داشت؛ تا این‌که در ۴۰۰ سال بعد که جلال‌الدین ملکشاه سلجوقی به قدرت رسید و در زمان وی ایران به بزرگترین حدود خود بعد از اسلام رسیده بود، تقویم خورشیدی جلالی با اهتمام و کوشش عُمر خیام و درایت و کاردانی خواجه نظام‌الملک طوسی ابداع شد و ایرانیان را مجدداً به یک گاه‌شمار خورشیدی و دقیق رساند.

در واقع گاه‌شمار جلالی در راستای اصلاح و محاسبه دقیق گاه‌شمار ایرانی و در پی گاه‌شمار یزدگردی به وجود آمد. بی‌توجهی به اجرای کبیسه‌گری گاه‌شمار یزدگردی تا اوایل دوران جلال‌الدین ملکشاه سلجوقی موجب شده بود که نوروز، هجده روز نسبت به زمان واقعی خود جابه‌جا شود و اعتدال بهاری اول فروردین با نوزدهم فروردین منطبق شود.

در تدوین و پیدایش و محاسبه گاه‌شمار ایرانی جلالی، علاوه بر عمربن خیام، ریاضی‌دانان دیگری نیز نظیر: ابوحاتم مظفر اسفزاری، ابوالعباس لوکری، محمدبن احمد معموری، نجیب واسطی، این کوشک بیهقی مباهی و در راس آنان ابوالفتح عبدلرحمان منصور خازنی نقش بسیار مهمی را داشتند.

این گاه‌شمار با وجود دقت، بنا به دلایل مختلف تا پیش از مشروطه در ایران رسمیت نداشت، ولی پس از آن با تغییراتی از جمله در مبدا و اسامی ماه‌ها و در قالب تقویم هجری خورشیدی در نهایت و در سال ۱۳۰۴ به عنوان تقویم رسمی ایران به تصویب رسید.

براساس این گزارش، تمدن بشری در حال حاضر به چُنان پیشرفتی رسیده است که شاید مردمانش کمتر به داستان چگونگی پیدایش «گاه‌شمار» یا همان «تقویم» توجه داشته باشند. ابداع و اختراعی که قدمت آن به پیدایش تمدن بشری می‌رسد و اگر نبود، شاید شرایط امروز ما به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد.

توضیحات تصویر اصلی و ابتدای گزارش:

سنگ تقویم «آزتک» سنگی است که با نام‌های مشابه دیگری همچون، سنگ خورشیدی و سنگ ۵ دوره (عصر پنجم) هم شناخته می‌گردد. این سنگ مربوط به دورهٔ اواخر کلاسیک قوم آزتک می‌باشد که امروزه در موزه ملی مردم‌شناسی مکزیک قرار دارد.

ابعاد این سنگ ۳۵۸ سانتیمتر (۱۱/۷۵ فوت) در ۹۸ سانتیمتر (۳/۲۲ فوت) می‌باشد. این سنگ، مدت کوتاهی پس از فتح امپراتوری آزتک توسط اسپانیا در زوکالو یا میدان اصلی شهر مکزیک در زیر آوار دفن شد و در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۷۹۰ و در طول تعمیرات کلیسای جامع مکزیکوسیتی کشف گردید. متعاقب آن، سنگ تقویم بر روی دیوار بیرونی کلیسای جامع تا سال ۱۸۸۵ نصب گردیده بود. عقیدهٔ بسیاری از محققان بر این است که احتمالاً سنگ حوالی تاریخ‌های ۱۵۰۲ تا ۱۵۲۱ حک شده باشد، هر چند برخی دیگر اعتقاد دارند که چند دهه بیشتر از این تاریخ قدمت دارد.

همچنین برآورد شده است که تصویر مرکزی این سنگ تقویم، ایزد آفتاب «تونیشیا» است. مربع‌هایی نیز که ایزد مرکزی را احاطه نموده‌اند، نمادی از چهار خورشید یا ۴ عصر پیشین و قبل از عصر ایجاد سنگ بوده‌اند. از زمان کشف سنگ خورشیدی در سال ۱۷۹۰ میلادی، محققان بسیاری برای کشف پیچیدگی‌ها و اسرار این سنگ تلاش نمودند. تاریخچهٔ این تحقیقات قدمتی بیش از ۲۰۰ سال را در بر می‌گیرد و شامل تفاسیری است که باستان‌شناسان، مورخان و محققان از این سنگ ارائه نموده‌اند.

آزتک‌ها یک فرهنگ آمریکای میانه‌ای بودند که در دوره پسا کلاسیک یعنی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۵۲۱ میلادی در مرکز مکزیک شکوفا شدند. آن‌ها یک تمدن سرخ‌پوستی در مکزیک بودند. آزتک‌ها در قرن ۱۴ میلادی یعنی زمانی که شهر "تنوچ تیتلان" را ساختند و به قدرت رسیدند.

مردم آزتک از گروه‌های مختلف قومی مرکز مکزیک تشکیل شده بودند و بر قسمت‌های بزرگی از آمریکای میانه از قرن ۱۴ تا ۱۶ تسلط داشتند. تمدن آزتک بر اساس دولت شهر سازماندهی شده بود. امپراطوری آزتک یک کنفدراسیون از سه دولت شهر بود که در سال ۱۴۲۷ تشکیل شده بود.

آزتک‌ها از دو تقویم استفاده می‌کردند؛ یکی تقویم خورشیدی که به ۱۸ ماه تقسیم شده بود و دیگری تقویم مقدس.

منبع : ایسنا